



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۵/۱۳

عبدالجليل جميلی

محترم دواد جان ملکيار! گر مرهم دلی نشدی؛ نیشتر مباحش! و متوجه باشید که حفظ احترام بزرگان تان وجیبه اول خود شما ست!

و داود جان گرامی! سلام و کلام را با این مقوله مختصر ولی با مفهوم شروع میکنم که: نصیحتی کثمت بشنو و بهانه مگیر!

و زیر همین وجیزه قابل تأمل میخواهم مطلب ارزنده و چشم دید همین دیروز های وطنم را بخصوص برای خودت بنویسم که بمصابه وطن دوستی و صداقت - چطور کاردانی یکی از شخصیت های گرامی فامیلی خود شما مثل آن مزایای افغانی بوده است که متأسفانه امروزه کمترین اثری ازین در نایاب را در بین کارکنانی بنام وحدت ملی و یا جهاد یان زر سالار و کرسی طلبان قاجاق آئین ما دیده میتوانیم. پس بسیار امید وارم که با مطالعه دقیق این امر مشت نمونه خروار آن افتخارات بزرگان با تأمل تان و ایامی که شما نظر به جوان بودن سن از آن بی خبری بوده اید مایه پائین آوردن غلیان ناراحتی بد موقع تان شده متوجه سنگ اندازیهای دور از تمکین مردم آزارانه تان شوید که در واقعیت چقدر بخود تان و یخصوص بر آن بزرگان گرامی تان که برای شما تکیه گاه شهرت و هویت پنداشته می شوند - صدمه جبران نا پذیری میرسانید.

داود جان گرامی سختم را با اختصار کلام فقط از یکی از نمونه خدمات قابل قدر و پاک طینتانه جناب مرحوم عبدالله خان ملکيار بزرگوار فامیل تان - شروع میکنم:

زمانیکه بنابر راپور واقعی واصله بدولت - محمد داود خان صدراعظم ایشان را منحصت شخص قابل اعتماد دوست و خویش خود بحیث سفیر کبیر افغانستان در تهران بدولت ایران معرفی کردند یکی از نکات مهم آن پاکی شخصیت واعتماد بر ماهیت وظیفه شناسی شان در راه حفظ منافع ملی چنان بوده و بدین معنی که با رسیدن به تهران معامله بوقلمون و دست بازی و متوقف شده فروش حدود چهار جریب زمین ملکیت افغانستان را که در منطقه شمیران شهر تهران / بموقف سفارت ایران در کابل / واقع بود و نه تنها مبلغ نه میلیون دالر قیمت آن را در یک بانک معتبری قید کردند و بلکه در مدت محدودی یک دربند حویلی قابل ارزش و با موقعیت خوب مرکزی را یافته و با خرید قطعی آن بنام دولت افغانستان و در عینحال یافتن اپارتمان حوز چند طبقه ایی برای دفتر و اقامت اعضای سفارت و با ارائه تمام اسناد و مدارک آن بوزارت امور خارجه - هیأت رسمی را از کابل دعوت کردند که با طی مراتب آن در عینحال بیش از پنج ملیون دالر اضافی از آن مبلغ نه میلیون دالر را بدسترس و اختیار مزر قرار دادند که ازین پول - جنرال قونسلگری افغانستان بر زمین ملکیت افغانستان در مشهد ایران را تعمیر مجدد کرده و نیز از همین پول سفارت جدید سفارت افغانستان در انقره را با داشتن دفاتر منزل اول و اقامتگاه اعضا و همچنان ۶ اطاق خواب و ۶ تشناب مکمل در منزل دوم عمارت اصلی سفارت و در عین حال اعمار دفتر جداگانه و نیز اعمار مجدد قسمی جنرال قونسلگری افغانستان در بمبئی و بخصوص اعمار سفارت بزرگ جدید افغانستان در منطقه چنکیا پوری دهلی جدید برای اقامت سفیر کبیر و دفاتر آن با چند اپارتمان مربوط آن برای اقامت اعضای سفارت همه تحت نظر جناب عبدالغنی کریمی مدیر عمومی اداری وزارت امور خارجه / که خودم سفارت های افغانستان در انقره و دهلی جدید شاهد عینی بودم / جنان مصرف کردند که قسمت اعظم افتخارات تدارک مصارف بودجوی مالی اش به پاک طینتی شخص عبدالله خان ملکيار میرسید ولی نا گفته نباید گذشت که مسعود خلیلی استاد زاده یار انتحاری احمد شاه مسعود که از روز اول سلطنت استاد ربانی - در دهلی جدید وهم تا امروز سفیر موروثی هر جا و حال در هسپانیه استند و ناشکن! چنان بکثافت و بیرحمی با آن عمارت قلب افغانیت در دهلی جدید رفتار کرده و گوشتش را یک لقمه و استخوانش را لیسیدند که وقتی که از سکرتر اول سفارت پرسیدم که چرا شما برای رفتن بمنزل خود عجله دارید آخر

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

شما که در اپارتمان دولت و عقب عمارت سفارت زندگی می‌کنید؟ گفتند نه خیر! خانه من ۱۰ کیلو متر دور و در بیت اهل مردم دهلی با ۵۰۰۰ کلدان کرائی زندگی می‌کنم زیرا سفیر صاحب اپارتمانهای نو مجلل دولت ما را ماهانه بکرایه بسیار بالا تر بدیگر سفارت ها کرایه داده و همچنان ماهانه مبلغ ۳۰۰۰۰۰ کلدان نقدی را که در بین پوسته سیاسی برای معالجه معویبین افغان مسلسل مواصلت کرده از کابل نقداً می‌گیرد و روزی اتشه نظانی بیچاره ما بنام خواریکش پرسیده بود که چرا همه مریضان فقط یک سمته میرسند؟ - هفته بعد خودش رخصت شد.

پس برادرم متوجه باشید که آن زمان گذشت و متولیان دور همه برحمت حق پیوستند ولی آنچه مرحوم عبدالله خان ملکیار کردند نه تنها در دولت و بلکه به یقین نزد خدای عادل پنهان نمی‌ماند و انشاءالله مستوجب مکافات! ولی چرا شما بعوض پیروی و تعقیب نیکوئی های شان و حفظ آبروی شان - آتش بازی را شروع کرده - مرتکب اعمالی میشوید که از یک سو روح خود آن مرحوم و برادر داماد با ارزش شهید شان / یعنی ویس خونین کفن / را از کم لطفی و اهانت ناروای خود منجر می‌سازید که بالطبع قلب علیل صبیبه داغ دیده و قربانی داده خود شان یعنی میرمن گلالی ملکیار داود / بیوه عمر داود قربان شده و کاکا زاده تان را که دو دخترک های صغیرش را پیش چشمش تیر باران کردند (و خدا کند این تهمت را هم بگردن ویس شهید نیندازید؟!) زجر داده سر افکنده و بی وقار میسازید.

داود جان! با اشاره به این قسمت تذکر مورخ ۱۰ / ۵ / ۲۰۱۸ بسیار قابل توجه جناب داکتر صاحب سید عبدالله کاظم

در مورد حادثه در ارگ اگر ویس شهید موضوع حفظ ناموس را در نظر میگرفت و به آن دلیل اگر دست به قتل یک تعداد از فامیل خود زده باشد، باین انگیزه او باید همه زنان و دختران را می‌کشت، نه پسر بچه ها را، درحالیکه از جمله ۱۵ نفر کسانیکه از حادثه جان به سلامت بردند، هشت نفر خانمها و دختران جوان بودند این سوال هم مطرح میشود که در حالیکه پدر نامدار ویس در حالت خاص بین مرگ و زندگی قرار داشت، پسرش در آن لحظه حساس بیشتر به پدر فکر میکرد و یا به فکر حفظ ناموس می افتاد و دست به قتل اعضای فامیل خود میزد؟ بهرحال من منتظر ارائه "اسناد ثقه" آقای داود ملکیار هستم که خدا کند فیهوائی نباشد

و هم اشاره به نوشته مستند / با فوتوی / مورخ ۵ / ۵ / ۲۰۱۸ محترمه گرامی ام میرمن نصیبه اکرم حیدری تحت عنوان // بجواب محترم داود ملکیار // با شناخت عینی خودم با ویس جان شهید و خانم شهید شان صبیبه / مرحوم سردار تیمور شاه آصفی برادر مرحومه علیا حضرت ملکه حمیرا ظاهر / و جگر گوشه های صغیر شان - و باز شمای که با این سن و سال پدر خواهید بود

- اولاً چطور قدر و منزلت پدری و محبت اطفال معصوم نازنین دیگران و هم خودت را تجسم کرده نمیتوانید؟ و خدا کند که خود شما آنقدر قصی القلب جلاذ مانند نباشید که بر شهید به خون خفته تهمت می‌کنید؟
- ثانیاً بقرار اشاره جناب دوکتور کاظم- اگر ویس داود متأثر از خون ریزیها؛ تصمیم به قتلهای میگرفت آیا درین وهله چرا محترمه گلالی جان ملکیار داود / خانم شهید عمر واود / کاکا زاده شما را که بیگانه از فامیل برای خودش بوده و با اصابت چند مرمی دشمن خون چکان بوده اند / و یا سپس چنانچه بر فوتوی محترمه شاهدخت زهره نعیم که در نوشته محترمه میرمن حیدری در لندن مشاهده کرده اید - چرا قتل اطفال صغیر خود را بر سالم ماندن خاله زهره جان خود و سپس به از بین بردن خود ترجیح داد؟؟ آیا برای این قضاوت عقل سلیم بکار نیست؟

- ثالثاً چنانچه در نوشته قبلی ام اشاره کرده ام خودم با تمام معنی قصر گلخانه و همین اطاق منزل دوم طرف چپ یعنی سلاح خانه نوکران روس / فعلاً مجلس وزرای دولت موجود؟ / را بلدم بوده ام که جز با یک در ورودی بکلی محرز است پس جناب شمای که هی شهود دارم و تپ تپ پا میکنید - بفرمائید مردانه نوشته و قضاوت کنید که در همان لحظه گیر و دار جز اهل و بیت داود خان و گروپ جلاذان خون آشام - شهود طاق نشین تماشچی شماکی ها بوده اند و همه سالم که با خاموش نشینی ۴۰ ساله - امروز سر شما را - دشمن شادانه بلند میکنند؟؟

- رابعاً آیا مطالب و قضاوت جناب الله محمد استاد موسسه علمی پولی تخنیک وقت را با خصایل ویس داود خوانده اید؟

در بساط نکته دانان خود فروش شرط نیست - یا سخن دانسته گوی مرد دانا یا خموش !!

و مطلب دومم برای تان فقط و فقط پند نامه است و شدیداً قابل توجه!

زیرا شما فکر میکنید که حرف تان از عرش برین آمده و هزار در صد - پولادین! در حالیکه با این کلیله و دمنه بازیهای بی نمک و ممثلیت خود سازانه - متأسفانه ننگ پیشانی تان حساب میشوید .
زیرا آغای داود جان! در حالیکه خود محترمه گلالی جان ملکیار داود و اطرافییون شان و هم جناب مرحوم محمد هاشم / سابق پردیس! و بعداً میوند وال! شما را وکیل نگرفته اند تا با تشخیص خودی هر طرف شمشیر بازی بی حاصل کنید !!

آغای ملکيار! در محفلی از یک انسان با دانش و مهربانی پرسیدند که در بین اجتماع همه رنگ فروش ها چرا شما را همه محترم شمرده و هیچ وقت اهانت نمیکنند. او گفت: چون همه نزد محترم اند و هیچ وقت بخود اجازه نمی دهم که بکسی اهانت کنم و هر مشکل و یا سوء تفاهمی را به تواضع و حوصله مندی و گذشت استقبالی میکنم پس هیچ کس بمن هم اهانت نمیکند یعنی این منم که زمینه توهین بخود را مساعد نمی سازم و اما شما؟؟؟؟؟

و اما و باز هم اگر و فرض محال! روزی یکی از سخن های تان به کرسی نشست- شما کجا را چراغان می کنید؟ و تماشاچیان از هر دهن سخنی تان درین بی وطنی بجز اهل مکسیکو و ویتنام و فلپین و کوریا - دیگر کی خواهد بود؟ زیرا شما که بروی افغانیت سلی زده و منزلت رو گشتاندن را هم بخود نمانده اید!! در اخیر هم با ورق زدن این صفحه سیاه! یک صفحه تاریک دیگری را هم که مرتبط با درد شماست بر ملا می سازم که فکر میکنم کمتر دوستان ارجمند و صاحب قلمان گرامی ام از آن اطلاع دارند: و آن چلو صاف کشیدن صمد ازهر / قوماندان عمومی زاندارم و پولیس وزارت داخله دور جمهوریت اول - قاتل واقعی میوندوال شهید - است که شما متأسفانه او را در لیست سیاه خود ندارید که اینک او را با فتملش بشما معرفی میکنم

پدر او کریم خان امرخیل مقیم لغمان - از ارکان استخباریه مشرقی و پهلو بند مرحوم جنرال محمد عارف قوماندان عمومی جبهه صافی بوده و آنقدر بدولت خدمت کرده بود که بعد از آن مرحله تا سالیان متمادی در ولسی جرگه وکیل لغمان بوده و بعد از اواسط سالهای ۱۹۶۰ که جنرال عارف خان مدت ۸ سال سفیر مسکو بودند جناب وکیل صاحب لغمان نه تنها چند مرتبه مهمان سفیر ما در مسکو میبودند و بلکه از روز مواصت بمیدان هوایی مسکو تا بستر شدن و معالجات حق و ناحق در شفاخانه ها و مصارف پولی جناب وکیل صاحب از دخل سفارت افغانستان! دو پسر نازدانه بورسی فوق العاده وکیل صاحب / بنام محمد کبیر و محمد بصیر - اما با تخلص رنجبر! نیز گل سر سبد و شریک دسترخوان سفیر صاحب در حالی میبودند که سفیر صاحب پیاس دوستی وکیل صاحب - همیشه فقط با ایشان به بلسان پشتو حرف میزد.

اما سفارت میدانست که رفیق کبیر رنجبر در شهر لیننگراد/ پتر برگ امروز / و رفیق بصیر رنجبر در شهر وروژ بنام افغانیت ولی نماینده مستقیم حیدر مسعود و بالارتباط با کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی مهره های کافی کثیفی بوده اند که حال در کابل دوکتور کبیر رنجبر در رأس کمیته حقوق دانان افغان در کابل؟! قرار دارند .

و اینهم خبر بی بی سی ۲۴ جون ۲۰۱۲!

(پوهاند دوکتور کبیر رنجبر!) نماینده پیشین ولسی جرگه؛ به اتهام 'تجاوز جنسی' بازداشت شد!



/ ۲۴ جون ۲۰۱۲ بی بی سی /

دادستانی کل افغانستان، کبیر رنجبر، یک عضو سابق مجلس نمایندگان را به "ادم ربایی و تجاوز جنسی" متهم کرده که

و از روز شنبه، ۳ سرطان/ در بازداشت بسر می برد

بی بی سی تا حالا نتوانسته با آقای رنجبر یا وکیل مدافع او تماس بگیرد و در مورد این اتهامات پرسد.

کبیر رنجبر از چهره های شناخته شده سیاسی در افغانستان است و علاوه بر اینکه یک دوره عضو مجلس نمایندگان افغانستان بود، در حال حاضر از اعضای ارشد حزب حق و عدالت است

رنجبر بر اساس ادعای یک دختر و پدر او بازداشت شده که رنجبر را به تجاوز جنسی متهم کرده اند

رحمت الله نظری معاون دادستانی کل افغانستان گفت: یک دختر چندین ماه قبل اختطاف شده بود و پولیس، امنیت ملی و دادستانی در جستجوی یافتن او بود."

بالاخره این دختر پیدا شد و ادعا کرد که درین مدت نزد رنجبر بوده و یک کودک ده - دوازده روزه نیز از او دارد

برخی از رسانه ها به نقل از معاون لوی سارنوال افغانستان نوشته اند که این دختر در خانه آقای رنجبر پیدا شده و پلیس پس از یافتن این دختر در خانه آقای رنجبر، او را بازداشت کرده است / کبیر رنجبر از چهره های نامی پرچم است /

اما **بصیر رنجبر** در کابل معاون اول محمود بریالی کارملی / رئیس مطلق العنان روابط بین المللی کمیته مرکزی حزب دیموکراتیک خلق با مقر قصر ستور وزارت امور خارجه - سپس سر پرست دافغانستان بانک و بعداً شارژ دافر سفارت افغانستان در تهران بوده اند / که دوامش را نمیدانم /

ولی و اما - آقای داود جان عزیز حال چرا شما با اهلیت علمی و مطبوعاتی که دارید بطرف قاتل اصلی و کافی شناخته شده میوند وال شهید یعنی فرزند بزرگ امر خیل صاحب وکیل مدام العمر لغمان اعنی لوی سمونوال **صمد ازهر جلال معرکه** انگشت نمیگذارم و سنگ را در دبه انداخته بهر کوچۀ چپ و راست میلوانید؟!؟!

فکر میکنم که میدانید و باید بدانید که این چهره پدر مانند رنگ گرفته در اکادیمی پولیس کابل و سپس در بورسه در دسترخوان مصر / ممکن هم قذافی کی جی بی نشان؟ یعنی مدرسه که در زمانش حکمتیار و مسعود را با پشاور نشینی هم آنجا مغز شونی کرده بودند؟ و جلادیت و قساوت را آنچنان آموخته بود که شهادت میوند وال صاحب و دست پاکی بدامن دولت وقت از امور یومی اش یوده باشد؟

بفرمائید که آیا شما نوشته های چندین صفحه ای او را در مورد ثبوت خود کشی میوندوال صاحب / البته بمفهوم برانت دادن ضمنی خودش! / خوانده اید؟ و چرا او سعی میکند / نه دیگران! / که آن مسئله را منحصی و طیفه بطرز دید و برانت خود ترسیم کند؟ و آیا شما با او تماس و یا سوال و جوابی داشته اید؟

و یا اینکه بقرار این متلی که خدا انسان را از گرفتن گور و زدن کر نگاه دارد - میخواهید مشکل خود را از راه همین دو دید حل نمائید زیرا کور از ترس فرار متهم و کر از نشنیدن صدا و قدرت ضرب خود ماندن والای متهم بیچاره نمی باشد. که البته متوفی بودن متهمین شما مزیت نور علی نور افتراآت بی سند تان پنداشته میشود!

اما وقتیکه شما خود را جوان منور و صاحب قلم و انسان با فهمی می شناسید باید راهای درست تر و یا گذشت با تدبری را انتخاب کنید که هم لعل بدست تان آید و هم دل یاران نرنجد با سلام مکرر بشما